

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(مسئله ۷۷) : قيل يجوز للصائم أن يدخل إصبعه في حلقة ويخرجه عمداً وهو مشكل مع الوصول إلى الحدِّ فالأحوط الترك .

گفته شده که داخل کردن انگشت و خارج کردن آن عمداً در حلق برای صائم جایز است ولی وهو مشكل و در صورتی که به حد حلق برسد احوط ترک این کار است .

محشین و شراح در اینجا به عروة اشکال کرده اند و گفته اند که در باب صوم فقط داخل کردن چیزی در حلق به عنوان اکل و شرب اشکال دارد و غیر از آن اشکالی ندارد و در خارج شدن چیزی از حلق هم اگر صدق قی کند مبطل صوم است و إلا فلا ، و ما هم قبلاً بحث کردیم و ثابت کردیم آنچه که داخل به حلق می شود اگر اکل و شرب محسوب شود به انواع و اقسامش جایز نیست و آنچه که از باطن به فضای دهان می آید اگر قی عمدی باشد مبطل صوم است اما داخل کردن انگشت در حلقش اکل نیست و خارج کردن آن هم قی نیست فلذا به چه دلیلی صاحب عروة فرموده اند که این کار مشکل است ؟ از این جهت هم محشین و هم شراح در اینجا به عروة اشکال کرده اند که چرا ایشان فرموده اند ؛ و هو مشكل و چرا فرموده اند فالأحوط الترك ؟ چون ما دلیلی بر این مطلب نداریم ، فقط حاج شیخ محمد تقی آملی در مصباح الهدی فی شرح عروة الوثقی فرموده اند که بحث در ضمیر یخرجه می باشد یعنی آیا مراد اخراج انگشتش است و یا اینکه مراد اخراج ما فی حلقة می باشد ؟ بالاخره هر چه که باشد ما قبلاً بحث را روشن کردیم و گفتیم اگر بر آنچه که داخل می رود اکل و شرب صدق کند مبطل صوم است و همچنین گفتیم که تعمد القی مبطل صوم است و إلا فلا ، و بعد حاج شیخ محمد تقی آملی می فرمایند که در کتاب غایة القصوى فی شرح عروة الوثقی که کتابی فارسی می باشد نقل شده که بعضی ها گفته اند جایز است که صائم انگشت به حلق خودش داخل کند و بیرون

بیاورد و یا اینکه چیزی را از حلق خودش بیرون بیاورد و با انجام این کار روزه اش باطل نمی شود یعنی در غایة القصوى نقل شده که صاحب عروة نظر به این قیل داشته که این فرع را مطرح کرده منتهی کلیات بحث برای ما روشن است فلذا مطلب برای ما واضح و روشن است بنابراین داخل کردن انگشت صائم در حلق خودش به هر جهت و به هر عنوانی اشکالی ندارد زیرا اکل و شرب محسوب نمی شود فقط قبلاً عرض کردیم که اگر رطوبتی همراه آن باشد و حتی گفتیم کسی که مشغول دوختن چیزی است اگر آن نخ را مرطوب کند و بعد به دهانش برگرداند مشکل است منتهی مجرد داخل و خارج کردن انگشت به حلق مبطل صوم نمی باشد .

مسئله ۸۸ تکرار مباحث قبلی می باشد فلذا آن را نمی خوانیم . اما فصل سوم ؛ فی اعتبار عمد والاختیار فی الإفطار می باشد یعنی بعد از ذکر مفطرات و روشن شدنشان باید توجه داشته باشیم که اگر عمداً و اختیاراً صورت بگیرند مبطل و مفطر صوم هستند و إلا فلا .

فصل : المفطرات المذكورة ما عداللبقاء على الجنابة الذي مرّ الكلام فيه تفصيلاً إنّما توجب بطلان الصوم إذا وقعت على وجه العمد والاختيار ، اما مع السهو وعدم القصد فلا توجبه من غير فرق بين أقسام الصوم من الواجب المعين والموسّع والمندوب ، ولا فرق في البطلان مع العمد بين الجاهل بقسميه والعالم ، ولا بين المكره وغيره ، فلو أكره على الإفطار فأفطر مباشرة فراراً عن الضرر المترتب على تركه بطل صومه على الأقوى ، نعم لو وجر في حلقة من غير مباشرة منه لم يبطل .

تمام مفطراتی که تا به حالا خواندیم غیر از بقاء بر جنابت بدون عمد و اختیار مبطل صوم نمی باشند ، و در جنابت چند بحث داشتیم ؛ اول اینکه اگر کسی در نومه ثانیه خواب بماند باید روزه اش را قضا کند و كفاره هم محل بحث بود ، دوم در نسیان جنابت بحث بود به این صورت که اگر کسی فراموش کرد که جنب است و مضی علیه یوم أو أيام باید قضای آنها را به جا بیاورد ، و سوم اینکه اگر أصبح جنباً و لو من غير عمد در قضای صوم رمضان



ولی در این خبر اخیر در جواب امام (ع) هم لفظ متعمداً ذکر شده است .

و اما در باب ۹ از ابواب مایمسک عنه الصائم هم روایات زیادی وارد شده که بر مانحن فیه دلالت دارند ، من جمله خبر اول از این باب که در آمده است : « أنه سئل عن رجل نسي فأكل وشرب ثم ذكر ؟ قال : لا يفطر ، إنما هوشى رزقه الله فليتم صومه » پس در این باب هم روایاتی ذکر شده که دلالت دارند بر اینکه اگر عمد و اختیار در کار نباشد و نسیاناً اکل او شرب او جامع و غیرهم اشکالی ندارد .

و اما در باب ۲۹ از ابواب مایمسک عنه الصائم هم روایاتی ذکر شده اند که دلالت دارند بر اینکه اگر قی عمداً صورت بگیرد موجب بطلان صوم می شود و إلا فلا ، من جمله خبر ششم از این باب که بر این مطلب دلالت دارد .

و اما در خبر ۴ از باب ۳۵ از ابواب مایمسک عنه الصائم گفته شده اگر خودش عمداً نکاح کند روزه اش باطل می شود ولی اگر محتمل شود روزه اش باطل نمی شود لأنّ النکاح فعله و الاحتمال مفعول به ، این خبر دلالت دارد براینکه چونکه احتلام از روی قصد و عمد عارض نمی شود فلذا هر چیزی از مفطرات که عن عمد و عن قصد نباشد اشکالی ندارد ، خوب اینها روایاتی بودند که در بابهای مختلف از وسائل ذکر شده بودند و دلالت داشتند بر اینکه اگر صائم بدون عمد و اختیار مفطرات صوم را انجام بدهد روزه اش باطل نمی شود ولی اگر با عمد و اختیار باشد روزه اش باطل می شود .

علاوه بر روایات در آیه ۱۸۷ از سوره بقره آمده است : « أحلّ لكم ليلة الصيام الرفث إلى نسائكم هن لباس لكم وأنتم لباس لهن علم الله أنکم تختانون أنفسکم » : در اول منتهی و تذکره علامه چند صفحه درباره تشریح صوم در اول امر بحث شده و گفته شده وقتی که صوم تشریح شد لازم بود که در شبها هم آمیزش صورت نگیرد ولی شباب نتوانستند خودشان را کنترل کنند فلذا : « علم الله أنکم کنتم تختانون أنفسکم » : خداوند می دانست که آنها خیانت می کردند و شبها در خفا این کار را

مبطل صوم است ولی ما چون دلیلی بر این مطلب پیدا نکردیم آن را قبول نکردیم ، بنابراین ایشان می فرمایند که ما عداً بقای بر جنابت بقیه مفطرات در صورتی مفطر و مبطل صوم هستند که علی وجه العمد و الاختیار انجام شوند اما اگر سهواً و بدون قصد انجام شوند موجب بطلان صوم نمی شوند و فرقی در این مسئله بین اقسام مختلف صوم مثل واجب معین و موسع و مندوب نیست ، سهواً که معلوم است و بدون قصد هم مثل اینکه کسی را در آب بیاندازند و زیر آب فرو برود که در اینجا چون من غیر اختیار سر زیر آب فرو برده اشکالی ندارد .

خوب چند بحث در اینجا مطرح است ، اول اینکه به چه دلیلی مفطرات صوم إذا وقعت علی وجه العمد و الاختیار موجب بطلان صوم می شوند و إلا فلا ؟ چند دلیل بر این مطلب وجود دارد ؛ اول اینکه ما از ادله ای که در باب صوم وارد شده استفاده می کنیم که اگر مفطرات عن عمد و عن قصد انجام شوند مفطر صوم می باشند ، از جمله آن اخبار صحیحه محمدبن مسلم است که خبر ۱ از باب ۱ از ابواب مایمسک عنه الصائم بود که در آن حضرت باقر (ع) فرموده بودند : « لا یضرّ الصائم ما صنع إذا اجتنب ثلاث خصال : الطعام والشراب ، والنساء ، والارتماس فی الماء » در این روایت گفته شده اگر کسی اجتناب کند و ظاهرش این است که اگر کسی عمداً اجتناب کند فلذا اگر کسی سهواً خورد مضرّ نیست یعنی به خوردن عمدی نمی گویند که عمداً اجتناب نکرد ، و غیر از این خبر در روایات کثیری قید تعمد وارد شده است من جمله اخبار ۱ و ۲ و ۱۱ و ۱۱۱ از باب ۸ از ابواب مایمسک عنه الصائم که در خبر اول گفته شده : « فی رجل أفطر من شهر رمضان متعمداً يوماً واحداً من غیر عذر » و در خبر دوم گفته شد : « أنه سئل عن رجل أفطر يوماً من شهر رمضان متعمداً ؟ » و در خبر یازدهم گفته شده : « سألته عن رجل أفطر من شهر رمضان أياماً متعمداً ما علیه من الکفارة ؟ فکتب : من أفطر يوماً من شهر رمضان متعمداً فعليه إلى آخر » ، در دو خبر اول متعمداً در کلام سائل ذکر شده بود



وحضرت امام رضوان الله علیه در حاشیه عروۃ در اینجا فرموده اند ؛ علی الأقوی فی المقصّر و علی الأحوط فی القاصر : یعنی در جاهل مقصّر فرقی نیست و مثل عالم می ماند علی الأقوی و در جاهل قاصر علی الأحوط فرقی با عالم نیست ، و صاحب حدائق هم در اینجا اصرار دارد بر اینکه شخصی که قاصر یا مقصّر است روزه اش درست است و معذور است ، بنابراین همانطور که می بینید اقوال مختلفی در مسئله وجود دارد و مسئله بسیار مهمی می باشد .

خوب ما دو روایت داریم که مؤید این مطلب هستند که انسان جاهل لاشیء علیه که این روایت یکی خبر ۱۲ از باب ۹ از ابواب مایمسک عنه الصائم است که موثقه هم می باشد ، خبر این است : « وبإسناده عن علی بن الحسن بن فضال ، عن محمد بن علی ، عن علی بن النعمان ، عن عبدالله بن مسکان ، عن زرارة وأبی بصیر قالاً جميعاً : سألتنا أبا جعفر (ع) عن رجل أتى أهله فی شهر رمضان وأتی أهله و هو محرم و هو لا یری إلا أن ذلك حلال له ؟ قال لیس علیه شیء » . و دیگری صحیحه عبدالصمد است فی من لبس المخیط حال الاحرام جاهلاً که در ص ۱۲۵ از جلد ۹ و سائل ۲۰ جلدی در کتاب الحج واقع شده است ، در این خبر این طور آمده است که شخصی در حال احرام مخیط پوشیده بود و بعد از حضرت درباره آن سؤال می کند و حضرت می فرمایند که اشکالی ندارد و بعد حضرت یک مطلب را به صورت کلی می فرمایند که شیخ در رسائل هم آن را ذکر کرده که بعداً ما باید از آن جواب بدهیم و آن مطلب این است ؛ قال : أي رجل ركب امرأً بجهالة فلا شیء علیه ، پس این دو خبر دلالت دارند بر اینکه جاهل معذور است ...

و الحمد لله رب العالمین اولاً و آخرأ و صلی الله علی

محمد و آله الطاهرين

انجام می دادند اما خداوند صرف نظر کردند و فرمودند که شبها انجام این عمل اشکالی ندارد : « فتأب علیکم و عفی عنکم فالآن باشروهنّ و ابتغوا ما كتب الله لکم و کلووا و اشربوا حتی یتبّن لکم خیط الأبیض من الخیط الأسود ثم أتمّ الصیام إلى اللیل » : خوب در این آیه آکل و شرب و جماع ذکر شده ولی مستفاد از آیه اختیار می باشد زیرا وقتی که فعل به فاعل نسبت داده می شود ظهور در اختیار و اراده دارد پس آنچه که خداوند متعال نهی کرده و مبطل صوم دانسته آکل و شرب و جماعی است که از روی اراده و اختیار باشد و إلا ما دلیلی برای بطلان صوم در غیر این صورت نداریم ، خوب حالا گاهی سهو و نسیان و غفلتی که انسان مرتکب آنها می شود مربوط به موضوع می شود مثل اینکه کسی را در آب ببیندازد در حالی که خودش می داند که ارتماس فی الماء موجب بطلان صوم می شود ولی در اینجا بدون عمد و اختیار موضوع (ارتماس فی الماء) محقق شده که خوب اشکالی ندارد ، و گاهی سهو و نسیان و غفلت مربوط به حکم می شود مثلاً نمی داند و یا فراموش کرده که ماه رمضان است لذا خورده و آشامیده یعنی در واقع در اینجا اصل روزه را فراموش کرده خلاصه اینکه چه عدم قصد و اختیار در فعل مفطر باشد و چه عدم قصد و اختیار درباره خود صوم باشد فرقی نمی کند .

بحث دومی که در اینجا مطرح شده این است که صاحب عروۃ می فرمایند در بطلان صوم مع العمد فرقی بین جاهل مقصّر و قاصر با عالم نیست یعنی چنانچه عالم قضا و کفاره دارد جاهل هم دارد و جاهل مقصّر کسی است که امکان رسیدن و علم به حکم و مسئله برایش وجود دارد منتهی خود او کوتاهی کرده و به دنبال کسب آن نرفته است ولی جاهل قاصر کسی است که اصلاً امکان رسیدن به علم و حکم برایش وجود ندارد مثلاً فرض کنید در جای دور افتاده ای زندگی می کند و کسی در دسترسش نیست تا از او سؤال بپرسد و بداند ، و اما صاحب جواهر می فرمایند که جاهل مقصّر هم قضا و هم کفاره دارد ولی جاهل قاصر فقط قضا دارد و شیخ انصاری در رساله خودش گفته است که جاهل قاصر نه قضا دارد و نه کفاره ولی جاهل مقصّر هم قضا دارد و هم کفاره ،